



۱- اصول حاکم بر برنامه تعلیم و تربیت دینی دوره اول متوسطه
اصول حاکم بر برنامه درسی دینی، دو دسته‌اند، اصولی که بیشتر به درس دینی اختصاص دارند و کاربرد اصلی آنها مربوط به این درس است و اصولی که عام و فراگیر هستند.
الف) اصول خاص: برنامه درس تعلیم و تربیت دینی دوره اول متوسطه براساس اصول ذیل طراحی شده است^۱:

- ۱- محور قرار گرفتن قرآن کریم و سنت و سیره معصومین صلوات الله علیهم
- ۲- تنظیم محتوا در جهت تبیین برنامه نظری و عملی زندگی دینی در دنیای امروز
- ۳- توازن در پرورش روحیه تعبد، تعقل و تعلق قلبی
- ۴- ایجاد طلب و تشنگی در مخاطب

۱- بسط و تفصیل این مطالب در راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی دوره اول متوسطه آمده است.

- ۵- فراهم کردن فرصت تجربه و تأمل با خود
 - ۶- ترسیم سیمای معقول و زیبای دین
 - ۷- پیراستن دین از خرافه‌ها و طرد عادات و رسوم اجتماعی نادرست از ساحت دین
 - ۸- ارائه برنامه جامع اخلاقی و سلوک فردی و اجتماعی
 - ۹- ایجاد آمادگی در دانش‌آموز برای حفظ هویت اسلامی خود در شرایط نامناسب
 - ۱۰- سمت‌گیری برنامه درسی در جهت وحدت اسلامی
 - ۱۱- حضور اندیشه‌های حضرت امام خمینی (قدس سره) در کالبد محتوای آموزش
 - ۱۲- بهره‌مندی از دستاوردهای عالمان دین
 - ۱۳- توجه به نیازها و ویژگی‌های دختران و پسران
 - ۱۴- تقویت احساس نیاز به دین
 - ۱۵- توجه به آموزش‌های خاص اهل سنت
 - ۱۶- توجه به آموزش‌های خاص اقلیت‌های دینی (مسیحی، یهودی و زرتشتی)
- ب) اصول عام
- ۱- توجه به نیازهای فطری و نیازهای روز دانش‌آموز در فرایند آموزش
 - ۲- استفاده از علوم روز
 - ۳- پرورش مهارت‌های تفکر
 - ۴- بهره‌مندی از فناوری‌های جدید در برنامه درسی
 - ۵- رعایت پیوستگی و انسجام طولی و عرضی در برنامه درسی
 - ۶- توجه به دانش‌آموزان ویژه و استعدادها برتر
 - ۷- ترسیم فضای مناسب مذهبی در آموزش
 - ۸- امکان توسعه و تکمیل و تجدیدنظر در برنامه

۲- مفاهیم اساسی

مفاهیم اساسی برنامه درسی که جهت‌دهنده و تعیین‌کننده موضوعات کتاب درسی است، براساس سؤال‌های اساسی انسان و سؤال‌های متفرع بر آن تنظیم یافته است. این سؤال‌ها برخاسته از ویژگی انسان و جایگاه او در جهان هستی است. دین، پاسخ خداوند به پرسش‌های اساسی انسان است که به‌طور فطری در نهاد خود دارد. این پرسش‌های اساسی و مفاهیم آنها

عبارت اند از :

- من کیستم _____ ← انسان‌شناسی
از کجا آمده‌ام؟ _____ ← مبدأ (توحید)
به کجا می‌روم؟ _____ ← معاد
در کجا هستیم؟ _____ ← جهان‌شناسی
راهنمای من در مسیر زندگی کیست؟ _____ ← راهنما (نبوت، امامت و ولایت فقیه)
از کدامین راه؟ چگونه باید بروم؟ _____ ← راه (برنامه دین)
همراهان من چه کسانی هستند؟ _____ ← جامعه (امت اسلامی)
موانع و رهنمان راه کدامند؟ _____ ← دشمن‌شناسی

از آنجا که آغاز این سؤال‌ها در دوره اول متوسطه است، می‌توان مفاهیم اساسی را از متن آنها استخراج کرد و اهداف و موضوعات این درس را در پاسخ به این سؤال‌ها ترتیب داد. مزیت این ترتیب و تقسیم‌بندی آن است که انسان را موجودی پویا و در حال حرکت فرض می‌کند که برای رسیدن به مقصد و انجام حرکت درست نیازمند به راهنمایی است و آنچه به‌عنوان دین و راهنمایی الهی در اختیار او قرار می‌گیرد، پاسخی به سؤال‌های فطری اوست تا بتواند به مقصد برسد.

۳- اهداف، محورها و مفاهیم

اهداف راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی سابق براساس الگوی هدف‌گذاری بلوم^۱ در سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری بود. اما هدف‌گذاری برنامه‌های درسی و تربیتی در برنامه درسی ملی، در قالبی کاملاً جدید صورت گرفته است. در این الگو، شکوفایی فطرت و دستیابی به شئون گوناگون حیات طیبه، جامعیت، یکپارچگی، و توجه متوازن به ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت مبنا قرار گرفته است که در قالب چارچوب مفهومی منسجم و یکپارچه‌ای، در تدوین اهداف سطوح، راهنمای عمل برنامه‌ریزان و مجریان خواهد شد.

جدول ۱

ساحت‌های تربیت				
عرصه‌ها	رابطه با خویشتن (با محوریت رابطه با خداوند)	رابطه با خداوند متعال	رابطه با خلق خدا (سایر انسان‌ها) با محوریت رابطه با خداوند	رابطه با خلقت (طبیعت و ...) با محوریت رابطه با خداوند
عقل				
ایمان				
علم				
عمل				
اخلاق				

در الگوی هدف‌گذاری، پنج عنصر تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق و چهار عرصه ارتباط دانش‌آموزان با خود، خدا، خلق و خلقت، به صورت به هم پیوسته و با محوریت ارتباط با خدا تبیین و تدوین شده است.

عناصر پنج‌گانه در شبکه‌ای مفهومی، مرتبط و به هم تنیده تبیین می‌شوند و در فرایند عملی تربیت، هر کدام می‌توانند متناسب با نیازها و شرایط دانش‌آموزان، سرآغاز سیر تربیتی باشند و سایر عناصر را تقویت کنند و تعمیق بخشند. در میان این عناصر، عنصر تعقل جنبه محوری دارد و سایر عناصر پیرامون آن تعریف و تبیین می‌شوند که هر کدام از آنها نیز مراتب معینی دارد. براساس این الگو، اهداف پایه اول دوره اول متوسطه را می‌توان در پنج عرصه بیان کرد:

اهداف	حیطه‌های اهداف
۱- تفکر در صفات الهی از قبیل ناظم، ناظر، سمیع، مستعان، غفار	تعقل (تفکر و اندیشه ورزی/ تأمل/ استدلال/ استنباط/ تجزیه و تحلیل/ توجه/ تدبیر/ نقد/ کشف/ درک/ حکمت/ خلاقیت/ پژوهش)
۲- تفکر درباره معاد با موضوعات مرگ، حسابرسی در قیامت، تأثیر اعمال در جهان آخرت	
۳- تفکر در برخی کاستی‌های انسان از قبیل ناامیدی، غفلت، و برخی توانایی‌های انسان از قبیل تفکر، رشد و هدایت	
۴- تفکر در ضرورت وجود راهنمای الهی در زندگی انسان	
۵- تدبیر در کارکرد دین در زندگی انسان و برخی از مؤلفه‌های امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، حجاب و عفاف	

<p>۱- ایمان به صفات سلبی و ثبوتی الهی از قبیل ناظم، ناظر، قادر، مستعان، غفار و ودود</p> <p>۲- ایمان و پذیرش مرگ و حسابرسی در قیامت و تأثیر اعمال این دنیا در زندگی اخروی</p> <p>۳- ایمان به ضرورت وجود راهنمای الهی در زندگی انسان و آخرین پیامبر بودن رسول اکرم (ص) و کامل‌ترین کتاب هدایت بودن قرآن</p> <p>۴- ایمان به امام زمان (ع) به عنوان حاضر موعود</p> <p>۵- ایمان به تأثیر رعایت دستورات الهی: نماز، راستگویی، روزه، طهارت، حجاب و عفاف، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد</p>	<p>ایمان (باور/ پذیرش/ تعبد/ التزام قلبی/ علاقه/ عاطفه/ نگرش مطلوب/ ارزش‌گذاری)</p>
<p>۱- کسب معرفت نسبت به صفات سلبی و ثبوتی الهی از قبیل ناظم، ناظر، قادر، مستعان، غفار و ودود</p> <p>۲- آشنایی با مرگ به عنوان انتقال‌دهنده انسان به جهان آخرت، حسابرسی در روز قیامت و تأثیر اعمال انسان در زندگی اخروی</p> <p>۳- آشنایی با توانایی‌های انسان از قبیل تفکر، رشدیافتگی و هدایت‌پذیری و برخی کاستی‌های انسان از قبیل ناامیدی و غفلت و جهل</p> <p>۴- آشنایی با انبیا به عنوان هادیان الهی و ضرورت وجود آنها برای هدایت انسان، و دین به‌عنوان بهترین برنامه زندگی</p> <p>۵- آشنایی با ویژگی‌های پیامبر اکرم به عنوان آخرین پیامبر و قرآن کریم به عنوان آخرین و کامل‌ترین کتاب هدایت الهی</p> <p>۶- آشنایی با ویژگی‌های ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان جانشینان پیامبر اکرم (ص) و هادیان بعد از ایشان</p> <p>۷- آشنایی با احکام طهارت، نماز، نماز جمعه و جماعت، روزه، وضو، تیمم، تقلید، زیارت، غسل و مراسم مذهبی</p> <p>۸- آشنایی با ویژگی‌های اخلاقی ناپسند از قبیل ناسزا، تحقیر، توهین، مدگرایی، مصرف‌گرایی، هوس‌های زودگذر، غفلت، و ویژگی‌های اخلاقی پسندیده همانند تعاون، رعایت حق الناس، تلاش، کسب مال حلال، علم‌دوستی، امانت‌داری، نیکی به والدین و صداقت</p> <p>۹- آشنایی با احکام محرم و نامحرم، عفاف و حجاب</p>	<p>علم (کسب معرفت شناخت/ بصیرت/ آگاهی در ساحت‌های تربیتی)</p>
<p>۱- تلاش برای انجام اعمال مؤثر در زندگی مثبت در آخرت</p> <p>۲- تلاش برای غلبه بر صفات ناپسند از قبیل ناامیدی، و استفاده صحیح از زندگی، پرهیز از دام‌های شیطان و غفلت</p> <p>۳- تلاش برای انجام و مداومت بر صفات پسندیده‌ای از قبیل رعایت حق الناس، تلاش و کوشش، اندیشه‌ورزی در کارها و رشدپذیری</p> <p>۴- به جا آوردن اعمال و احکام دینی از قبیل نماز، نماز جماعت، نماز جمعه، روزه و غسل</p> <p>۵- تلاش برای رعایت احکام طهارت، زیارت، اذان و اقامه و مراسم مذهبی</p> <p>۶- تلاش به منظور رعایت حدود محرم و نامحرم، و رعایت حجاب</p> <p>۷- تلاش در الگوگیری از زندگی پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام، عمل به آموزه‌های قرآن و عترت، و بزرگان دین</p> <p>۸- تلاش در جهت مصون ماندن از آسیب‌های اجتماعی عصر حاضر از قبیل ماهواره، اینترنت، تلویزیون، موبایل، بازی‌های رایانه‌ای، مواد مخدر، مدگرایی، مصرف‌گرایی و تهاجم فرهنگی</p>	<p>عمل (کار/ تلاش/ اطاعت/ عبادت/ مجاهدت/ کار آفرینی/ مهارت و ...)</p>

<p>۱- تزکیه نفس با الگوگیری از زندگی پیامبر اکرم، ائمه اطهار علیهم السلام و بزرگان دین</p> <p>۲- اجتناب از اعمال غیراخلاقی همانند ناسزا، تحقیر و توهین به خود و دیگران، مدگرایی، عادات‌های ناپسند، حسادت، دوستی‌های بدون معیار، هوس‌های زودگذر و گرفتار شدن به خواندنی‌ها، نوشتنی‌ها و دیدنی‌های نامناسب</p> <p>۳- تلاش در مداومت بر صفات اخلاقی پسندیده همانند تعاون، کسب علم، توجه به محرومان، امانت‌داری، رعایت حق‌الناس و صداقت</p>	<p>اخلاق (تزکیه/ عواطف/ ملکات نفسانی)</p>
---	--

۴- تحلیل اجزای درس‌ها

کتاب پیام‌های آسمان از هفت بخش تشکیل شده است. هر کدام از این بخش‌ها، عهده‌دار تبیین قسمت خاصی از اهداف و مفاهیم تعیین شده در راهنمای برنامه هستند.

۱- ورودیه: اولین بخش از بخش‌های هفت‌گانه هر درس از کتاب، ورودیه درس‌هاست. هر درس یک ورودیه دارد. وظیفه ورودیه ایجاد سؤال درباره موضوع درس و آماده ساختن ذهن دانش‌آموز است. نکاتی که ما درخصوص ورودیه به همکارانمان توصیه می‌کنیم عبارت‌اند از:

- ❖ ورودیه مقدمه و زمینه‌ساز ورود به درس است. لذا زمان قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهد. انتظار می‌رود برای ورودیه درس وقت مناسبی اختصاص یابد. البته ورودیه‌ها با هم متفاوت‌اند بعضی زمان بیشتری نیاز دارند. اگر ورودیه به خوبی اجرا شود زمینه مناسبی برای دستیابی به اهداف ایجاد می‌گردد.

- ❖ از ورودیه‌ها در آزمون‌های پایانی و آزمون‌های کتبی استفاده می‌شود. این بدین معنی است که متن ورودیه از بخش‌های آموزش رسمی درس است و متن حاشیه‌ای نیست.
- ❖ حتماً از دانش‌آموز در اجرای ورودیه کمک گرفته شود.

۲- محتوای آموزشی: محتوای آموزشی شامل آیات، احادیث، توضیح آیات و روایات و ترجمه آنها، و توضیح مفاهیم و اهداف درس. در این بخش شایسته است به این نکات توجه شود:

- ❖ انتظار می‌رود که بار اصلی آموزش این بخش را همکاران به عهده بگیرند؛ چون این بخش برای دانش‌آموز جدید است و نمی‌تواند در فرایند تدریس به ما کمک کند.

- ❖ این بخش برای تمام آزمون‌ها منبع سؤال است و هیچ استثنایی ندارد. (البته بایستی از طرح سؤالات حافظه‌محور پرهیز کرد و بیشتر به فهم مطلب توسط دانش‌آموز توجه داشت.)

- ❖ درس‌های احکامی و برخی درس‌ها که در حوزه مسائل اعتقادی است، به دلیل حجم بالای مطالب آموزشی بایستی در بیش از یک جلسه تدریس گردد.

۳- فعالیتهای کلاسی: فعالیتهای کلاسی بخشی است که کتابهای جدید را از کتابهای

قدیم به لحاظ روشی جدا کرده است. هر درس حداقل از دو فعالیت کلاسی برخوردار است. این فعالیتهای که بخشی از محتوای آموزشی است باعث مشارکت هر چه بیشتر دانش‌آموز در فرایند تدریس شده و بر کیفیت یادگیری وی تأثیر فراوانی می‌گذارد. ملاحظاتی که در رابطه با فعالیتهای کلاسی وجود دارد، شامل این موارد است:

❖ بهتر است این فعالیتهای به صورت گروهی انجام شود. بدین گونه که گروه‌های چهار یا پنج نفره (بنابر تعداد دانش‌آموزان) تشکیل شود و هر گروه دربارهٔ موضوع همفکری کرده و نتیجه توسط نماینده گروه بیان شود.

❖ اجرای فعالیتهای کلاسی وظیفه دانش‌آموز است و دبیر نقش هدایتگر دارد. هرچه حضور و نقش دانش‌آموزان در فرایند تدریس بیشتر شود و زمان تدریس و صحبت‌های دبیر کاهش یابد، آن کلاس موفق‌تر است. آنچه در خاطر دانش‌آموزان باقی می‌ماند همین فعالیتهایی است که آنها خودشان انجام داده‌اند.

❖ فعالیتهای کلاسی در تمام آزمون‌های مستمر منبع سؤال است بجز پرسش‌های بازی و اگر؛ پرسش‌های بازی پرسش‌هایی هستند که بیش از یک پاسخ صحیح دارند هرچه دانش‌آموز بگوید از نگاه ما درست است، آن پرسش‌ها نمی‌توانند جزء سؤالات امتحان پایانی باشند. سؤال‌های واگرا سؤالاتی هستند که هر دانش‌آموز براساس فکر و اندیشه و تجربه‌های شخصی خود پاسخ می‌دهد و به همین دلیل جواب‌های متنوعی ارائه می‌شود.

❖ فعالیتهای کلاسی لزوماً باید در کلاس انجام شود. به این دلیل که فعالیتهای در همه درس‌ها مقدمه‌ای است برای بخش‌های بعدی خودش. اگر دانش‌آموز این قسمت از درس را متوجه نشود در بخش‌های دیگر هم دچار مشکل می‌شود؛ چون یک حلقه از زنجیر آموزش ما دچار آسیب شده است.

۴- خودت را امتحان کن: توجه به نکات این بخش ضروری است:

❖ پاسخ دادن به سؤالات این بخش برعهده دانش‌آموز است و دبیر نباید به این سؤالات خودش پاسخ دهد. به دانش‌آموز فرصت دهید تا بیرون از کلاس و با استفاده از اندیشه‌های خود و نظرات دیگران به جواب برسد و در جلسات بعد این پاسخ‌ها توسط دبیر کنترل و در صورت لزوم تصحیح شود.

❖ برخی پرسش‌های خودت را امتحان کن، دارای پاسخ صریح در متن نیستند و بایستی با کنکاش و دقت بیشتری توسط دانش‌آموز از متن درس استنباط شود.

۵- بیشتر بدانیم: بخش بیشتر بدانیم مباحث تکمیل‌کنندهٔ درس و برای توسعهٔ اطلاعات

دانش‌آموزان است و دبیر می‌تواند در توضیح درس‌ها از آن استفاده کند و نمره تشویقی برای آنها در نظر بگیرد. اما در ارزشیابی مستمر و پایانی نباید از این قسمت‌ها سؤال طراحی شود.

۶- پیشنهاد: پیشنهاد فعالیتی اختیاری است که دانش‌آموز بیرون کلاس انجام می‌دهد. نکات قابل توجه این بخش عبارت‌اند از:

❖ اجرای این بخش برای دانش‌آموز الزامی نیست اما دانش‌آموزی که این پیشنهادها را اجرا کند در هر نیمسال تا دو نمره به عنوان تشویق دریافت می‌کند.

❖ از بخش پیشنهاد هیچ سؤال طراحی نمی‌شود؛ چون جنبه الزامی ندارد. متن خوانی، توضیح سؤال و بررسی جواب در کلاس لازم نیست.

❖ پیشنهادها کتاب انحصاری نیست؛ یعنی این‌طور نیست که چون کتاب برای این درس یک پیشنهاد داده شما به عنوان دبیر نتوانید خودتان به دانش‌آموز پیشنهاد دیگری بدهید.

۷- نیایش: آخرین بخش از بخش هفت‌گانه درس نیایش است. نکات قابل توجه در این بخش عبارت‌اند از:

❖ نیایش بخشی از محتوای درس است که برای تأثیرگذاری بر ساحت عاطفی دانش‌آموزان طراحی شده است. البته در ارزشیابی مستمر و پایانی نباید از این قسمت سؤال طراحی شود.

❖ می‌توان در پایان و یا ابتدای تدریس کلاس از دانش‌آموزی خوش‌صدا خواست آن را برای همه بخواند. در پایان درس نیز می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا یک بار دیگر مناجات را ببینند و ارتباط آن را با بخش‌های مختلف درس بیان کنند. این یک فعالیت خوب برای بچه‌هاست که باعث می‌شود دانش‌آموز درس را یک مرتبه برای خودش مرور کند.

۵- رویکردهای جدید در کتاب‌های پیام‌های آسمان

رویکردهای جدید کتاب پیام‌های آسمان را در دو جنبه می‌توان خلاصه کرد:

۱- رویکرد توصیفی در مباحث اعتقادی: موضوعات فطری در دوران کودکی و نوجوانی نیازمند به اثبات نیست. رویکرد فطرت‌گرای یکی از اصلی‌ترین رویکردهای کتاب پیام‌های آسمان است. در کتاب‌های فعلی درس توحید و خداپرستی وجود دارد ولی رویکرد آن اثباتی نیست؛ بلکه توصیفی است. به عنوان مثال در حیطه معاد دانش‌آموزان درباره اثبات معاد چیزی نمی‌پرسند بلکه می‌گویند برزخ چگونه است؟ قیامت چگونه است؟ در قبر چه اتفاقی می‌افتد؟ بهشت چگونه جایگاهی است و...

این از آن روست که اصل موضوع معاد مسئله‌ای فطری است و پرسش‌های دانش‌آموزان نیز بیشتر حول توصیف و تبیین دقیق موضوع است. در مسئله توحید هم همین‌طور است.

۲- رویکرد انگیزه بخشی در مباحث احکام: درس‌های احکامی کتاب برای تدریس در دو جلسه طراحی شده‌اند. بخش اول درس که با رویکردی اعتقادی و اخلاقی درصدد انگیزه بخشیدن به مخاطبان برای عمل به احکام بیان شده در درس است، از جایگاه مهمی برخوردار است چرا که اساساً انسان موجودی منفعت‌طلب است و اگر احساس کند کاری برای وی منفعتی ندارد و یا ضرری را از او دفع نمی‌کند، به سراغ آن کار نمی‌رود. آیات فراوانی که در قرآن به منظور انداز و تبشیر انسان آمده است نیز توجه به همین مسئله داشته است.

از این‌رو در کتاب جدید تلاش شده است تا دربارهٔ نماز، روزه و سایر احکام دین، حتماً انگیزه‌سازی صورت گیرد که بخش اول دروس احکام این وظیفه را برعهده دارد. بنابراین تأکید می‌شود که این بخش در یک جلسه مجزا تدریس شود.

بخش دوم دروس احکام نیز به بیان دقیق احکام و آموزش آن می‌پردازد. هدف از این قسمت یادگیری دقیق احکام توسط دانش‌آموز و تثبیت آن در ذهن وی است.

۳- فعال‌سازی دانش‌آموزان در فرایند تدریس: کتاب‌ها به روش آموزش فعال نوشته شده است. روش فعال، روشی است که مشارکت دانش‌آموز را در فرایند یاددهی - یادگیری، در پی داشته باشد. برای اجرای روش فعال انتظار می‌رود مؤلفه‌های ذیل در نظر گرفته شود:

❖ اولین جلسه، دانش‌آموزان گروه‌بندی شوند. گروه‌بندی باعث می‌شود بچه‌های خاموش در کلاس در درس شریک شوند. بهتر است گروه‌ها بین ۴ تا ۶ نفر باشند. گروه بیش از ۶ نفر، گروهی استاندارد نیست.

❖ شیوهٔ صحیح فعال‌سازی دانش‌آموزان در تدریس این است که به آنان اجازهٔ صحبت کردن داده شود؛ هرچند که مطالبشان چندان دقیق و منطقی نباشد. آموزه‌هایی که توسط خود دانش‌آموزان کشف و استنباط شود از عمق و ماندگاری بیشتری برخوردار است. فعالیت‌های کلاس فرصت خوبی است تا به دانش‌آموزان فرصت اظهار نظر دهیم و خود به عنوان ناظر اصلاح‌کننده اشتباهات و خطاهای آنان باشیم.

۶- ارزشیابی

یکی از ارکان مهم برنامه درسی و فرایند یادگیری ارزشیابی است. ارزشیابی به دو منظور انجام می‌گیرد:

– تعیین میزان تحقق اهداف یاددهی و یادگیری

– تنبیت و تحکیم آموخته‌ها

ارزشیابی متداول در درس‌های گوناگون، در صورتی که در شکل مطلوب خود انجام گیرد، اقدامی برای تعیین میزان تحقق هدف‌های شناختی، نگرشی و مهارتی است. این ارزشیابی گاه در قالب توصیفی و کیفی انجام می‌شود و دستاوردهای کیفی تبدیل به معیارهای کمی می‌شود و به شکل نمره اعلام می‌شود تا نشان دهد که دانش‌آموز تا چه میزان به هدف‌های یادگیری نائل شده است. گاهی نیز ارزشیابی از ابتدا معیاری کمی دارد و به صورت نمره دادن به سؤالات شفاهی یا کتبی انجام می‌گیرد. در آسیب‌شناسی برنامه‌های درسی، یکی از آسیب‌های برنامه‌ها، ارزشیابی متکی بر آزمون کتبی است که غالباً آزمونی از شناخت‌های مانده در حافظه است و از اهداف مهارتی و نگرشی غافل می‌ماند. اما اگر این آسیب برطرف شود و ارزشیابی بتواند مجموعه اهداف را پوشش دهد، امری مطلوب و پسندیده است که لازمه آن اولویت بخشی به آزمون مستمر و سنجش مهارت‌های مختلف و کاستن از آزمون‌های کتبی یا شفاهی محفوظات است. اما وقتی به ماهیت تعلیم و تربیت دینی می‌نگریم و آن را با سایر درس‌ها مقایسه می‌کنیم، تعلیم و تربیت دینی درس در عرض درس‌های دیگر نیست. در کلامی اجمالی، تفاوت این درس با سایر درس‌ها این است که همه درس‌ها ابزارهای زندگی‌اند و تعلیم و تربیت دینی خود زندگی است.

نظام فعلی آموزش و پرورش که درس دینی را در تلقی مخاطبین به درس هم عرض درس‌های دیگر تبدیل کرده این نتیجه را رقم زده است که دانش‌آموز میان درس دینی و دینداری خود رابطه‌ای نبیند، و چه بسا نمره‌ای کم در درس دینی بگیرد، اما در دینداری سرآمد افراد کلاس باشد یا نمره‌ای عالی بگیرد اما در رفتار دینی از دیگران عقب‌تر باشد.

برخی از دانش‌آموزان در عکس‌العمل به چنین نمره‌گذاری، میان رابطه قلبی خود با نماز و این نمره تناقض می‌بینند و در می‌مانند که چگونه میان این دو جمع کنند. لذا یا ناچار می‌شوند از خواندن نماز در جمع خودداری کنند و یا از خواندن چنین نمازی سرباز زنند. این تناقض میان رفتار و قلب تنها ممکن است در درس دینی ظهور کند و درس‌های دیگر فارغ از این تناقض‌اند.

آسیب دیگری که از آزمون‌های متداول، تعلیم و تربیت دینی را تهدید می‌کند، به رابطه میان ابعاد دینداری بر می‌گردد. معرفت به معارف دینی و صراط مستقیم لازمه ایمان و عمل صالح است و به میزانی که این معرفت به شخص متعلم نشاط علمی و معرفتی بیخشد، ایمان وی را تکمیل و تقویت می‌نماید. اما اگر کسب این معرفت در شرایط نامطلوب و از سر بی‌میلی و بی‌رغبتی انجام پذیرد، نه تنها به تکمیل و تقویت ایمان نمی‌انجامد، بلکه به معرفتی ناپایدار و سست منجر می‌شود و ایمان دینی را هم

ضعیف می‌کند. چرا که دانش‌آموز احساس می‌کند مثلاً درس خدانشناسی را باید بدان منظور بخواند که نمره بیست بگیرد و معدلش افزایش پیدا کند. در واقع به طور ناخودآگاه احساس می‌کند که عامل بیرونی او را به سوی خدانشناسی می‌کشاند، نه انگیزه‌ای درونی. و همین نوعی بی‌میلی مخفی نسبت به درس در وی ایجاد می‌کند. این بی‌میلی و بی‌رغبتی سبب می‌شود که دانش‌آموزان درس دینی را بخوانند و نمره‌های مناسب بگیرند، اما کمتر به تحکیم پیوند قلبی برسند.

علاوه بر این چون آن علقه قلبی میان فرد و آموخته‌ها برقرار نمی‌شود، خود این دانش‌ها نیز ناپایدار و زودگذر می‌گردند و عموم آموخته‌ها در ظرف مدت کوتاهی فراموش می‌شوند و دانش‌آموز احساس می‌کند که چیزی از آن آموخته‌ها در اختیار ندارد.

قبل از طرح ارزشیابی پیشنهادی، ذکر این نکته ضروری است که ارزشیابی منحصر به ارزشیابی از دانش‌آموز نمی‌شود و عناصر دیگر برنامه، مانند محتوای آموزشی و معلم را نیز دربرمی‌گیرد. هر برنامه درسی باید راهکار مؤثری برای ارزشیابی از این عناصر را پیشنهاد دهد. پیشنهاد‌های مربوط به این موضوع در پایان همین قسمت خواهد آمد.

۶-۱- حوزه‌های ارزشیابی: ارزشیابی بخشی از فرایند یادگیری است که در مراحل مختلف آن حضور دارد و معلم و دانش‌آموز به‌طور مرتب با آن درگیرند و به پویایی و ارتقای کیفی آموخته‌های دانش‌آموز می‌انجامد. ارزشیابی به اهداف یادگیری توجه دارد و همان‌گونه که میزان تحقق اهداف را می‌سنجد، به تحقق آن اهداف نیز کمک می‌کند؛ یعنی دانش‌آموز را به فعالیت‌هایی سوق می‌دهد که او را در رسیدن به اهداف یاری می‌کنند و چنان‌که آمد، تعلیم و تربیت دینی سه هدف را دنبال می‌کند و می‌کوشد که دانش‌آموزان به این سه هدف دست یابند:

۱- شناختی عقلانی از مبانی و معارف و وظایف دینی

۲- ایمان به آن مبانی و معارف و وظایف

۳- عمل به وظایف و مسئولیت‌ها

این سه هدف، گرچه نوعی تقدم و تأخر دارند اما در یکدیگر تأثیر می‌گذارند. ایمان مطلوب و مقبول دینی ایمان مبتنی بر تفکر و اندیشه است و عمل صالح عملی است که منبعث بر ایمان دینی و انگیزه‌های الهی باشد. از طرف دیگر، انجام هر عمل صالح به تقویت ایمان و تحکیم شناخت می‌انجامد. فعالیت‌های یادگیری که در برنامه درسی پیش‌بینی می‌شود و در صحنه آموزش جاری می‌گردد، برای تقویت یکی از این اهداف یا هر سه هدف است. در میان این سه هدف، فعالیت‌هایی که مربوط به هدف رفتاری و عمل صالح است، نمی‌تواند در دایره ارزشیابی قرار گیرد، علت عدم امکان آن قبلاً توضیح

داده شد اما این به معنی نادیده گرفتن این قبیل فعالیت‌ها در محیط آموزشی نیست. مشارکت دانش‌آموزان در برگزاری نماز جماعت، فعالیت‌های خیریه و امدادی، دعوت دیگران به خوبی‌ها و منع از بدی‌ها و سایر فعالیت‌های شخصی و اجتماعی دینی می‌تواند در برنامه درسی پیش‌بینی شود و دانش‌آموزان به انجام اختیاری آنها دعوت شوند، این فعالیت‌ها و اعمال می‌تواند موضوع ارزشیابی از برنامه و عملکرد معلم واقع شود تا میزان تحقق برنامه و عملکرد معلم سنجیده شود و پیشنهادهای اصلاحی مشخص گردد. بنابراین، ارزشیابی از دانش‌آموز در تعلیم و تربیت دینی باید در حوزه فعالیت‌های زیر انجام پذیرد.

الف) ارزشیابی از حوزه شناخت عقلی: یادگیری در حوزه شناختی و عقلی دارای سطوح مختلفی است که با تعمیق یادگیری تناسب دارد. یادگیری مؤثر نیز آن یادگیری است که از سطوح اولیه مهارت‌های تفکر بگذرد و سطوح بالاتر را دربرگیرد.

کارشناسان تعلیم و تربیت از تعداد سطوح متفاوتی سخن گفته‌اند که تعیین دقیق آنها در اینجا ضرورتی ندارد. آنچه اهمیت دارد، این است که یادگیری در این بخش به رشد تفکر عقلی منجر شود و توانایی تعقل را افزایش دهد. این سطوح می‌تواند شامل درک مفاهیم، کاربرد آنها، قدرت تجزیه و تحلیل، ترکیب، مقایسه، تطبیق، توانایی استدلال، استنباط و بالاخره ارزشیابی باشد.

ارزشیابی در حوزه تفکر و تعقل باید به نحوی باشد که بتواند تعادلی میان این سطوح ایجاد کند. این تعادل به معنای دادن حق مساوی به هر یک از این سطوح نیست بلکه بدان معناست که متناسب با سنین رشد و موضوع خاص مطرح شده باشد و از سوی دیگر باید برخی از این سطوح، اولویت داده شوند و برخی از سطوح در مرتبه بعدی قرار گیرند. به طور مثال، خدانشناسی، احکام نماز و روزه، صداقت و درستکاری سه موضوع دینی هستند که با سطوح متفاوتی از مهارت‌های تفکر درگیرند. تشخیص و انتخاب این سطوح در مراحل یادگیری و تعیین فعالیت‌های مناسب با هر یک و تمرکز ارزشیابی بر آنها بسیار حائز اهمیت است.

براین مبنا، باید گفت که انواع مختلف ارزشیابی به میزانی که در یادگیری این مهارت‌ها مدد می‌رسانند، باید به کار گرفته شوند. برخی از فعالیت‌ها و مهارت‌های قابل سنجش در قلمرو شناخت عقلی که به سطوح مختلف آن مربوط می‌شوند، به شرح زیر است:

درک رابطه عنوان با مطلب، رابطه اجزای مطلب با هم و با کل مطلب، جمع‌آوری اطلاعات درباره یک مطلب، برقراری رابطه میان آن اطلاعات، تعریف روشن یک مفهوم، توانایی استدلال درباره یک موضوع، بیان مشاهدات، مقایسه دو مفهوم یا دو عمل و ذکر تفاوت‌ها، بیان داستان، نتیجه‌گیری از داستان و یک واقعه، اعلام نظر درباره عوامل داستان و واقعه، درک رابطه میان چند آیه پیرامون

مفهوم واحد، پاسخ‌گویی به سؤال جدید، تطبیق خود و محیط زندگی بر آموزه‌های دینی و ارزیابی خود و محیط، بیان خاطرات، ذکر تجربه‌ها، تحقیق پیرامون یک موضوع، بیان شباهت‌ها، ذکر تفاوت‌ها، توانایی پاسخ به سؤالات دیگران، بیان نمونه‌ها و مصادیق، بیان واجبات و محرمات آموخته شده، توانایی تطبیق با مصداق‌های خارجی، ذکر فواید و نتایج یک عقیده یا عمل، بیان یا تکمیل استدلال، توصیف یک شخصیت، محیط، طبیعت و عمل، تفسیر یک عمل، یک بیان، یک شعر و تفکیک میان دو مفهوم یا صفت یا عمل با ذکر ملاک تفکیک.

ب) ارزشیابی از حوزه ایمان و احساس دینی: با توجه به اینکه تفکر عقلی و تعمیق آن ایمان و احساس دینی را تقویت می‌کند، همه فعالیت‌های قبل به تناسب ارتباط آنها با سطوح بالاتر تفکر و تعقل در تقویت ایمان مؤثرند. علاوه بر این برخی از فعالیت‌ها نیز هست که رابطه بیشتری با تعلقات قلبی و عاطفی دارند که تشویق دانش‌آموز به این فعالیت‌ها، هم به تقویت بعد قلبی و عاطفی می‌انجامد و هم نشانگر پیوند قلبی و عاطفی اوست. برخی از این فعالیت‌های قابل سنجش در حوزه ایمان و احساس دینی عبارت‌اند از:

ابراز همدلی با شخصیت مثبت داستان، ابراز دوری از شخصیت منفی داستان، نوشتن یا بیان علائق درونی در قالب‌هایی مانند دعا و شعر و نامه، مشارکت در گفت‌وگوها، انجام منظم فعالیت‌های پیش‌بینی شده، خلق یک اثر هنری مانند نقاشی، کاردستی، طرح، نمایش، قطعه ادبی، شعر و مناجات، زیبایی و نظم دفتر کار، سبقت و پیش‌دستی در پذیرش فعالیت‌ها، موضع‌گیری و ابراز موضع مطلوب بعد از ذکر یک واقعه داستان و...

ج) ارزشیابی از حوزه عمل: ارزشیابی از حوزه عمل در بحث تعلیم و تربیت دینی، کاری ناممکن است. برای آنکه علت این مسئله روشن شود ذکر این مثال شایسته است که اگر کسی در درسی مانند ریاضی به مهارت حل مسئله برسد یا در درسی مانند الکترونیک بتواند دستگاه الکترونیکی بسازد، به هدف آن درس رسیده است و نمره‌ای ممتاز می‌گیرد. اما اگر کسی به مهارت خواندن صحیح نماز برسد، آیا هدف تعلیم و تربیت برآورده شده است؟ خیر، زیرا این مهارت، هدف اصلی آموزش نیست، بلکه انتظار آن است که خواندن نماز به عنوان یک رفتار از وی متجلی شود و عامل به این حکم باشد. حال اگر این مهارت تبدیل به رفتار شد، آیا می‌توان از چنین رفتاری ارزشیابی کرد و به صاحب این رفتار نمره‌ای عالی داد؟

خیر، زیرا این نمره، تأثیر منفی به دنبال دارد. اگر دانش‌آموزان یک کلاس بدانند که معلمشان به رفتارهای مذهبی مانند نماز خواندن، روزه گرفتن و راست گفتن نمره می‌دهد، عکس‌العمل‌های متفاوتی

نشان خواهند داد. برخی برای گرفتن نمره بیشتر، بدون گرایش قلبی، آن کار را انجام می‌دهند. برخی در عکس‌العمل به چنین نمره گذاری، میان رابطه قلبی خود با نماز و این نمره تناقض می‌بینند و درمی‌مانند که چگونه میان این دو جمع کنند. لذا ناچار می‌شوند از خواندن نماز در جمع خودداری کنند و یا از خواندن چنین نمازی سر باز زنند.

۶-۲- انواع ارزشیابی در تعلیم و تربیت دینی

الف) ارزشیابی مستمر: با توجه به نوع فعالیت‌های قابل سنجش و اندازه‌گیری که در قسمت قبل بیان گردید، ارزشیابی مناسب با این درس، ارزشیابی مستمر می‌باشد. ارزشیابی مستمر یا تدریجی و تکوینی^۱ به معنای ارزشیابی براساس آزمون‌های پایانی ولی در مقیاس کوچک‌تر و با تعداد بیشتر نیست. خصلت عمده این ارزشیابی در پویایی و گستردگی آن است و از معلم انتظار اقداماتی فراتر از آزمون‌های سنتی دارد تا تصویر کلی از تمامیت شخصیت دانش‌آموز ارائه دهد. از نتایج این نوع سنجش و ارزشیابی در جهت رشد و ارتقای دانش‌آموز استفاده می‌شود و مهم‌تر از همه اینکه از هر دانش‌آموز توقع رشد و بالندگی را در حد توان خود او دارد. این ارزشیابی به معلم اطلاعات مستند و معتبری می‌دهد تا براساس آن اطلاعات بتواند مرحله بعدی تدریس خود را طراحی کند. این نوع سنجش، برای هر دانش‌آموز، قابلیت رشد و پیشرفت قائل است و برای آموزش هر دانش‌آموز برنامه خاصی را طراحی می‌کند. در این رویکرد، فرایند ارزشیابی با فرایند آموزش درهم تنیده، جاری و مستمر است. از نتایج به دست آمده، برای مقایسه یا نمره دادن به دانش‌آموزان استفاده نمی‌شود بلکه تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را می‌پذیرد و به قابلیت رشد هریک اعتقاد دارد. در فرایند چنین ارزشیابی، دانش‌آموزان نقش اساسی دارند چون آنان هستند که در مرکز یادگیری قرار دارند و نقش اصلی را در پرورش یا اصلاح یک آموخته ایفا می‌کنند. هرچه دانش‌آموزان بیشتر در فرایند آموزش سهیم شوند، بهتر و بیشتر می‌توانند آموخته‌های خود را در ابعاد مختلف گسترش دهند یا بهبود بخشند. به عبارتی، شیوه آموختن را بهتر یاد می‌گیرند.

این نوع ارزشیابی می‌تواند به شکل‌های مختلفی انجام شود و براساس اطلاعاتی که از طریق مختلف جمع‌آوری می‌شود، مانند مشاهده رفتار و عملکرد دانش‌آموز در هنگام فعالیت‌های کلاسی یا ارائه گزارش یا پاسخ به پرسش‌های کتبی یا شفاهی مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد اما همواره به خاطر داشته باشیم آنچه که ارزشیابی را مستمر، رشددهنده و پویا می‌کند، شیوه استفاده از نتایج ارزشیابی است. ارزشیابی مستمر دارای ویژگی‌های زیر است:

۱- از ابتدای بحث از ارزشیابی مستمر تا این قسمت، از کتاب «ارزشیابی در خدمت آموزش، طاهره‌رستگار» گرفته شده است.

– این ارزشیابی جزئی از فرایند آموزش است.
– به فعالیت‌هایی منجر می‌شود که طراحی مراحل بعدی آموزش را امکان‌پذیر می‌سازد.
– در تمام موضوعات درسی قابل اجرا است.
– دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری خود سهیم می‌سازد و توان خودارزیابی را در آنان تقویت می‌کند.

– معلم را قادر می‌سازد تا به طور منظم دانش‌آموزان را در فعالیت‌های گوناگون زیر نظر بگیرد و عواملی را که مانع پیشرفت آنان است، شناسایی کند.

– معلم را در فرایند تجربه‌اندوزی قرار می‌دهد و به او کمک می‌کند تا علایق دانش‌آموزان را شناسایی کند و سطح فعالیت‌ها (سادگی یا دشواری آنها) و مفاهیم را به درستی بسنجد.

– معلم را قادر می‌سازد تا از طریق ارزشیابی‌های متناوب و یادداشت‌هایی که برمی‌دارد، اطلاعات کافی برای ارزشیابی معتبر دانش‌آموز جمع‌آوری کند.

– ارزشیابی مستمر، دانش‌آموزان را در فعالیت‌های متفاوتی می‌سنجد که شرایط سنجش آنها یکسان نیست اما نباید تصور شود این امر، اعتبار قضاوت را خدشه‌دار می‌کند. معلم باید با درجه‌بندی فعالیت‌ها قضاوت نهایی را خود انجام دهد و به تشخیص خود اعتماد کند.

باتوجه به آنچه درباره ارزشیابی مستمر گفته شد، ارتقای آموزش از طریق این سنجش به عوامل اساسی زیر وابسته است :

– بازخورد مؤثر به دانش‌آموزان
– درگیرکردن مؤثر دانش‌آموزان در فرایند یادگیری
– استفاده از نتایج سنجش در طراحی تدریس
– درک و توجه به تأثیر غیرقابل تردیدی که شیوه سنجش و ارزشیابی بر ایجاد علاقه و اعتماد به نفس در دانش‌آموزان دارد.

– توانا کردن دانش‌آموزان در ارزیابی خود و تصمیم‌گیری برای پیشرفت و ارتقا.^۱
بنابراین، ارزشیابی مستمر بهترین ارزشیابی در این درس است که در دوره‌های تحصیلی پایین‌تر به عنوان تنها نوع ارزشیابی باید به کار گرفته شود و در دوره‌های بالاتر باید در اولویت مطلق باشد و سهم اساسی نمره بدان تعلق گیرد.
ب) ارزشیابی پایانی: این ارزشیابی که به ارزشیابی مجموعی یا تراکمی نیز مشهور است،

۱- طاهره رستگار، ارزشیابی در خدمت آموزش، ص ۱۲۳.

در پایان هر دوره آموزشی انجام می‌شود و معلم با استفاده از آن، آموخته‌های دانش‌آموزان را ارزیابی می‌کند. این ارزشیابی معمولاً با هدف نمره دادن، تصمیم برای ارتقا به کلاس بالاتر، رتبه‌بندی یا اعطای امتیازات معین انجام می‌گیرد.

گاهی نیز ارزشیابی پایانی به معیاری برای ارزیابی کار معلم تبدیل می‌شود. این امر باعث می‌گردد تا معلمان عمدتاً به آزمون‌های پایانی بیش از حد توجه کنند و نسبت به نتایج آن حساس باشند و این حساسیت را به دانش‌آموزان نیز منتقل نمایند. در نتیجه، مجموعه فعالیت‌های معلم و دانش‌آموزان تحت تأثیر این آزمون قرار گیرد و نقش ارزشیابی مستمر بسیار کم‌رنگ شود.

این امر باعث شده است تا معمولاً معلمان به جای آنکه آنچه را آموزش می‌دهند، ارزیابی کنند، آن چیزی را که قرار است ارزشیابی کنند، آموزش می‌دهند؛ یعنی، آموزش در خدمت ارزشیابی قرار می‌گیرد.

تفاوت دیگری که این ارزشیابی با ارزشیابی مستمر دارد، محدودیت آن است که نمی‌تواند انواع فعالیت‌های آموزشی را تحت پوشش قرار دهد؛ لذا فرصت توسعه مهارت‌های مختلف یادگیری در قلمروهای آموزشی را از دانش‌آموز سلب می‌کند. هم‌اکنون ارزشیابی پایانی معمولاً به شکل آزمون کتبی انجام می‌گیرد و بیشتر بر اهداف شناختی، آن هم سطوح اولیه شناخت، متمرکز می‌شود. حتی اگر طراح سؤال‌های پایانی بتواند سؤال‌هایی طراحی کند که سطوح برتر مهارت‌های شناختی، مانند توانایی استدلال، مقایسه، تطبیق و قضاوت را دربرگیرد، به علت محدود بودن این گونه سؤال‌ها به تدریج موقعیتی بیش می‌آید که دانش‌آموزان پاسخ این گونه سؤال‌ها را حفظ می‌کنند و کارایی این گونه سؤال‌ها را از بین می‌برند. علاوه بر این، از آنجا که دانش‌آموزان فعالیت‌های یادگیری خود را با نوع آزمون هماهنگ می‌کنند، وقتی که این گونه ارزشیابی‌ها اهمیت بیشتر پیدا می‌کند، آنان می‌کوشند که فعالیت‌های داخل کلاس را به سمت آمادگی برای آن آزمون سوق دهند و حتی اگر معلمی بخواهد فعالیت‌های دیگری را در دستور کار قرار دهد، آنان با نشان دادن عدم علاقه خود مانع آن فعالیت‌ها می‌شوند و عملاً معلم را به سمت تدریسی می‌کشانند که با آزمون پایانی تناسب دارد؛ لذا، چون هدف اصلی تعلیم و تربیت دینی، تقویت ایمان و انگیزه برای عمل است، توجه بیش از اندازه به آزمون پایانی بسیار مضر و زیان‌آور است و مانع توجه دانش‌آموزان به فعالیت‌های مستمر می‌گردد که تقویت ایمان و تعمیق شناخت عقلی را به دنبال دارند.

آفت بزرگ دیگری که از ناحیه توجه بیش از اندازه به آزمون پایانی، گریبان‌گیر تعلیم و تربیت دینی می‌شود، تغییر مکان «وسیله» با «هدف» است. امری که کمتر در آزمون مستمر و تکوینی اتفاق می‌افتد.

این اتفاق که بیشتر در نگاه دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه به درس دینی پدیدار می‌شود، از آنجا سرچشمه می‌گیرد که آنها ارزشیابی پایانی را نه وسیله‌ای برای سنجش میزان تحقق اهداف یادگیری بلکه وسیله‌ای برای ارتقای تحصیلی، بالا رفتن معدل و نظایر آن تلقی می‌کنند؛ لذا به‌طور ناخودآگاه، از آن جهت درس دینی را می‌خوانند و محتوای کتاب را حفظ می‌کنند که بتوانند آن آزمون را با موفقیت طی کنند و نمره مناسبی برای ارتقای تحصیلی به‌دست آورند، ممکن است دانش‌آموزان خودشان به این امر واقف نباشند و در پاسخ این سؤال که «چرا در آزمون شرکت می‌کنید؟» بگویند می‌خواهیم میزان یادگیری خود را تعیین کنیم اما شیوه درس خواندن آنان، توجه به جملات خاصی از کتاب و مرور چندباره متن و حفظ کردن عبارات گواه آن است که او دارد خود را در خدمت آزمون قرار می‌دهد نه آزمون را در خدمت خود.

این فرایند، گرچه بر همه درس‌های دیگر آسیب وارد می‌کند اما آسیب عمیق و جبران‌ناپذیرتر آن در تعلیم و تربیت دینی است به‌میزانی که انگیزه کسب نمره پایانی، قوی‌تر شود، رابطه واقعی او با محتوای درس کاهش می‌یابد و به رابطه‌ای خشک و سرد تبدیل می‌شود، میل و رغبت او به درس کم می‌شود و در نتیجه تأثیرات قلبی و رفتاری درس به حداقل خود می‌رسد. این آسیب در ارزشیابی مستمر کمتر ظهور می‌کند زیرا ارزشیابی مستمر در خدمت ارتقای یادگیری است و در همه مهارت‌های آموزشی کاربرد دارد نه صرفاً در مهارت حفظ اطلاعات و آموخته‌ها.

۷- روش‌ها و فنون یاددهی - یادگیری (روش‌های تعلیمی و تربیتی)

هدایت اسلامی، هدایتی برای رشد و تعالی همه ابعاد وجودی و گرایش‌های فطری است و در شخصیت یکپارچه آدمی تحقق می‌یابد. تنوع موضوعات دینی که شامل موضوعات اعتقادی، اخلاقی، عرفانی، رفتار و آداب، سلوک عبادی و برنامه‌های اجتماعی است، از یک طرف و ساحت‌های وجودی انسان از طرف دیگر، تنوعی در روش‌ها ایجاد می‌کند که در آموزش‌های دیگر کمتر می‌توان سراغ آن را گرفت. نگاهی مختصر به قرآن کریم، این تنوع در شیوه را به ما نشان می‌دهد. به‌کارگیری صحیح یک روش وقتی ممکن است که درک و توازنی درست میان موضوع و ساحتی از وجود انسان که بیشتر با آن موضوع درگیر است، پدید آید. به همین جهت، انتخاب روش مناسب نیازمند شناخت دقیق موضوع و مخاطب است. اما از آنجا که هدف تعلیم و تربیت «رشد» انسان است و رشد او جز از طریق تلاش و کوشش خود او میسر نیست، رویکرد جهت‌دهنده به همه روش‌ها، رویکرد فعال است. در این رویکرد، مخاطب با مجموعه توانایی‌ها، استعدادها و گرایش‌ها، مهارت‌ها و ویژگی‌های شخصی خود حضور

دارد و از همه آنها در جهت کمال خود بهره می‌برد.

انتخاب این رویکرد تعلیمی و تربیتی با رویکرد انتخاب شده در درس یعنی رویکرد فطرت‌گرا، هماهنگ و متناسب است. البته انتخاب رویکرد فعال به معنی فروگاهی نقش معلم و تبدیل وی از هدایت‌گر و راهنما به ابزار در کنار سایر ابزارها نیست زیرا در هدایت و تربیت، نقش الگویی معلم و تأثیرات انسانی و عاطفی وی بر یادگیرنده به مراتب عمیق‌تر از درس‌هایی دیگر است؛ بنابراین، فعال شدن دانش‌آموز به معنی کم‌شدن نقش معلم نیست بلکه این روش رسالت و مسئولیت وی را بیشتر می‌کند و نقش هدایت‌گری او را جدی‌تر می‌سازد.

با عنایت به مراتب فوق و با بهره‌مندی از قرآن کریم و سنت و سیره معصومین صلوات‌الله‌علیهم و نیز تجربیات مراکز آموزشی روش‌ها، مهارت‌ها و فنون متنوعی برای این درس پیشنهاد می‌شود. این روش‌ها می‌توانند در موضوعات مختلف و در تلفیق با یکدیگر به کار گرفته شوند به طور مثال، کسی که در یک بحث اخلاقی، می‌خواهد از موعظه استفاده کند، در موعظه خود می‌تواند از پرسش و پاسخ، استدلال و با داستان کمک بگیرد. در عین حال، این پیشنهادها معلم را برای به کارگیری این روش‌ها در موضوعات مختلف محدود نمی‌کند، بلکه دبیر می‌تواند با استفاده از تجربه‌های خود روش‌هایی را ابداع کند و از آنها در کلاس بهره ببرد. برخی از این روش‌ها، مهارت‌ها و فنون عبارت‌اند از:

۱- **همیاری و مشارکت**: این روش دامنه گسترده‌ای دارد و در بیشتر موضوعات دینی، به خصوص در مباحث اجتماعی قابل اجراست. اما این روش در مواردی که می‌خواهیم فرد به تأمل درونی دعوت شود، مثلاً محاسبه نفس کند یا رابطه معنوی با خدا برقرار کند، کاربرد کمتری دارد.

۲- **پرسش و پاسخ**: این روش در مباحث اعتقادی و نظری کارایی بیشتری دارد. این روش می‌تواند میان دو دانش‌آموز یا معلم و دانش‌آموز اتفاق بیفتد.

۳- **قصه‌گویی و داستان**: این روش برای بیان سیره بزرگان می‌تواند استفاده شود. همچنین برای آموزش غیرمستقیم ارزش‌های اخلاقی مؤثر است. داستان می‌تواند وسیله شروع فعالیت‌ها و تمرین‌های مختلف دانش‌آموزان قرار گیرد.

۴- **ایجاد فرصت تأمل با خود**: گاهی یک سؤال، یک بیت شعر، یک تصویر و اموری از این قبیل آدمی را به خود برمی‌گرداند و در تأمل فرو می‌برد. در این گونه تأمل‌هاست که تصمیم‌های مهم و مؤثر گرفته می‌شود و قدم‌های روبه‌جلو برداشته می‌شود. معلم باید بتواند در لحظه‌های ناب و در فرصت‌های مناسب، زمینه‌های تأمل را فراهم کند.

۵- **ایجاد فرصت عمل به دین**: در این روش، معلم به‌طور عملی شرایطی را فراهم می‌کند

که دانش‌آموز لذت عمل دینی را تجربه کند و از این طریق، پیوند قلبی وی با آن عمل تقویت شود. مشارکت در جشن‌ها و اعیاد مذهبی، همکاری و همیاری در رفع نیازهای دیگران و هر اقدام خیر دیگری که لذت از کار خیر را به‌طور واقع به دانش‌آموز می‌چشاند و گرایش او به کار خیر را افزایش دهد.

۶- استفاده از استدلال‌های منطقی: با توجه به عقلانی بودن مبانی دینی و ضرورت پذیرش عقلانی این آموزه‌ها، لازم است محتوای آموزشی، مبتنی بر استدلال‌های محکم و استوار باشد و دبیران محترم با بهره‌گرفتن از استدلال‌ها قدرت عقلانی دانش‌آموزان را تقویت نمایند و به معرفت دینی آنان اعتلا بخشند.

۷- انداز و تبشیر: این روش که در قرآن کریم بسیار به کار رفته، یادآوری ثمرات عمل خیر و نتایج کارهای بد است. با تبشیر، امید انسان نسبت به آینده زیبا در سایه کار خوب افزایش می‌یابد و با انداز، بیمی نسبت به آینده متفاوت و آینده ناشی از کار بد شکل می‌گیرد.

۸- تذکر: این روش در قرآن کریم بر آن تأکید شده و خداوند، رسول خود را بدان دعوت می‌کند. یکی از نام‌های قرآن کریم هم «ذکر» است. تذکر، مبتنی بر انسان‌شناسی دینی و گرایش‌های فطری و پذیرش اصول اخلاقی ثابت می‌باشد. تذکر، به معنای یادآوری آن اصول و تعمیق خودآگاهی نسبت به آن گرایش‌ها است.

۹- سخنرانی: این روش بیشتر در تبیین اصول اعتقادی کاربرد دارد که باید یک موضوع، به نحو منسجم طرح شود و توضیح داده شود. البته انتخاب سخنرانی، به معنای استفاده از روش غیرفعال نیست. سخنرانی می‌تواند در رویکردی فعال عرضه شود به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان برخوردی فعال با سخنرانی داشته باشند و براساس سخنرانی فعالیت‌های تعریف شده را انجام دهند.

۱۰- موعظه: توجه موعظه، بیشتر به نفس لوامه و بیدارگری وجدان و برای ایجاد انگیزه نسبت به اخلاق حسنه و کار خیر و نفرت و دوری از رذایل اخلاقی و کار بد است. این شیوه، بیشتر زبان نصیحت‌گرانه دارد و از ابزارهای مختلفی بهره می‌برد.

۱۱- ارائه الگو و اسوه: در این روش، از شخصیت‌الگویی انسان‌های مرجع و مورد قبول استفاده می‌شود. رسول خدا (ص) و معصومین بزرگوار دیگر بهترین اسوه‌هایی هستند که هم برترین معیار انسان دیندار هستند و هم مقبولیت آنان نزد نوجوان و جوان بسیار بالاست. اسوه‌های دیگر نیز به نسبت نزدیکی و قربشان با این معصومین باید به جوانان شناخته شوند، همچنین باید از اسوه‌های مورد اعتماد در عصر حاضر و نزدیک به زمان نوجوان امروزی بیشتر یاد گردد. در این میان اسوه بودن

معلم و مربی که اسوه حاضر و عینی است، از اهمیت بسزائی برخوردار است. از این رو دبیران این درس باید در حد قابل قبولی معیارهای اخلاقی و رفتاری و توانایی‌های علمی و مهارتی را داشته باشند.

۱۲- تشویق و تنبیه: این روش، با انذار و تبشیر متفاوت است. در روش انذار و تبشیر، تأکید بر آثار و نتایج خود عمل است اما در روش تشویق و تنبیه، متکی بر تشویق‌ها یا تنبیه‌های جانبی است که می‌تواند با خود عمل رابطه مستقیم نداشته باشد بلکه معلم برای ایجاد انگیزه ثانوی، از برخی تشویق‌ها و تنبیه‌ها کمک می‌گیرد و دانش‌آموز به نسبت آن تشویق و یا تنبیه کاری را انجام می‌دهد یا از عملی دوری می‌کند. این روش در سنین پایین، مانند دوره دبستان و قبل از دبستان در موضوعات اخلاقی و برخی رفتارها مؤثر است اما به هیچ‌وجه نباید تبدیل به یک رویه شود که در آن صورت، دانش‌آموز همواره کارهای خوب را نه به خاطر خوب بودنشان بلکه به نیت تشویق انجام خواهد داد و خوبی آن عمل در قلب وی تثبیت نخواهد شد.

۱۳- نمایش و ایفای نقش: اجرای نمایش توسط دانش‌آموزان، هم بر مجربان نمایش تأثیر می‌گذارد و هم تماشاگر را به‌گونه‌ای زنده با داستان نمایش مواجه می‌کند. از این رو، به او حضوری فعال می‌دهد به‌خصوص که اگر با روش‌های فعال دیگر توأم شود و پس از اجرا، محتوای نمایش مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۱۴- انجام تحقیق، مطالعه و فعالیت‌های پروژه‌ای: این روش که در همه موضوعات دینی کاربرد دارد، در صورتی که همراه با مهارت‌های صحیح تحقیق و مطالعه باشد، به دانش‌آموز کمک می‌کند که به عادت پسندیده تفکر و خردورزی دست یابد و بدین‌وسیله بتواند دایره دانش خود را از محدوده کتاب‌های درسی فراتر ببرد. این روش، قدرت تجزیه و تحلیل و تفکر و استنباط را افزایش می‌دهد و به آموخته‌ها عمق می‌بخشد.

۱۵- کنفرانس دانش‌آموزی: این روش، اعتماد به نفس دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد و عمق دانش کنفرانس‌دهنده را بیشتر می‌کند. کنفرانس باید حول یک موضوع باشد. کنفرانس‌دهنده بهتر است از میان یک گروه برگزیده شود تا رقابت گروهی ایجاد گردد بدین معنا که گروه از او پشتیبانی کند و سایر گروه‌ها به نقد پردازند.

۱۶- مشاهده و تحلیل مشاهدات: این روش، بیشتر در مهارت‌هایی مانند وضوگرفتن، نماز، تیمم و مانند آن و نیز در رفتارها و اعمال کاربرد دارد. افراد با دیدن یک مهارت یا یک رفتار اخلاقی، آن را تجزیه و تحلیل می‌کنند، نقاط قوت یا ضعف عمل را مشخص می‌کنند و به‌طور غیرمستقیم آموزش می‌بینند.

۱۷- خلق موقعیت برای داوری: در این روش با کمک روش‌های دیگر، مانند نمایش، نقل

خاطره، فیلم و مانند آن به دانش آموز فرصت داوری و قضاوت داده شود تا درباره حادثه و عناصر آن اظهار نظر کند. این روش، بیشتر در موضوعات اخلاقی و رفتار اجتماعی کاربرد دارد.

۱۸- مناظره (بحث و گفت‌وگو): این روش، با پرسش و پاسخ متفاوت است. مناظره، معمولاً میان دانش‌آموزان انجام می‌گیرد و بیش از دو نفر در آن شرکت دارند و افراد در نقش رقیب ظاهر می‌شوند. این روش در موضوعات اعتقادی و مسائل اجتماعی کاربرد بیشتری دارد.

۱۹- بدیعه‌پردازی: همان طور که از نام این روش آشکار است روشی است که در آن خلاقیت و ابداع وجود دارد و مبدع آن ویلیام گوردون است که جهت ایجاد خلاقیت از تشبیه چیزی به چیزی استفاده می‌شود و با استفاده از این تشبیه خلاقیت در افراد بوجود می‌آید مثلاً اگر خورشید مثل یک توپ بود و... اگر گلها مثل آدم‌ها حرف می‌زدند و... اگر شیرها به جای دویدن مانند عقاب پرواز می‌کردند و...

در این روش دو راهبرد وجود دارد یعنی مطالبی که به فراگیر آموزش داده می‌شود یا مأنوس است یا نامأنوس، که در صورت مأنوس بودن و معنادار بودن آن را به چیزی نامأنوس تشبیه می‌کنیم و در راهبرد دوم عکس این عمل می‌کنیم. از این روش در اغلب دروس می‌توان استفاده کرده و با تلفیق با دیگر روش‌ها می‌توان نتیجه مطلوب‌تری بدست آورد.

۲۰- بارش فکری: در این روش با طراحی یک موضوع یا طرح یک مسئله که سعی می‌شود موضوع بکر و نویی باشد تلاش می‌شود تا فراگیران به پاسخ فراخوانده شده و هرکس به تناسب اندیشه خود در ارتباط با موضوع اظهار نظر نماید. نکاتی در این روش باید رعایت شود که بسیار مهم است از جمله اینکه در این روش کمیت یعنی تعداد ایده‌ها و پاسخ‌ها برای یک جواب بسیار مهم است در هر مرحله بعد از این پاسخ‌ها آنهایی را که مناسب‌ترند انتخاب و با یکدیگر تلفیق می‌کنیم تا جواب و پاسخ مناسب‌تری برای موضوع یا مسئله مورد نظر بیابیم در این روش باید توجه شود که هرگونه پاسخی مورد نظر است و از انتقاد و سرزنش جداً باید پرهیز شود. چه بسا پاسخی که در ابتدا بیهوده به نظر می‌رسد با تلفیق دیگر پاسخ‌ها نتایج خوبی را عاید کند.

۲۱- گردش علمی: در این روش سعی می‌شود تا هدف آموزشی مورد نظر از طریق مشاهده عینی و یا لمس آن از نزدیک مورد توجه فراگیران قرار گیرد لذا اهداف و کارهایی را که دانش‌آموز در طول گردش علمی لازم است به آنها توجه نماید از قبل به آنها یادآوری می‌شود به همین دلیل برای تدریس چنین مفاهیمی لازم است فراگیران را به محیط طبیعی (جنگل، کوه، دریا، رودخانه، بیابان و...) یا موزه و نمایشگاه‌ها برده یا اینکه یک رخداد و حادثه را از نزدیک مشاهده نمایند.

نتایج مشاهدات فراگیران می‌تواند به صورت تهیه گزارش، تصویربرداری و نت‌برداری و... در محل مربوطه صورت گیرد و یا اینکه در همان محل به بحث و گفتگو درباره موضوع مورد نظر پرداخته شود و یا اینکه مفاهیم و مطالب بدست آمده مقدمه‌ای برای بحث و گفتگو در جلسه بعدی کلاس درس باشد که گزارش این مشاهدات می‌تواند در ارزشیابی ملاک عمل قرار گیرد.

توجه: با توجه به اینکه روش تدریس، امری تجربی است و روز به روز توسعه می‌یابد، ذکر این روش‌ها به معنی محدود کردن دبیر نیست و در صورتی که دبیر با روش‌های دیگری آشناست و در آنها مهارت دارد، در صورتی که آن روش‌ها با اصول این برنامه منافاتی نداشته باشد، می‌تواند از آنها استفاده کند.

۸ — استفاده از بسته آموزشی

برای این کتاب نرم‌افزاری با عنوان «برفراز آسمان» تهیه شده است که در بردارنده تحلیل محتوای تمامی دروس توسط مؤلفان، فیلم‌های کمک آموزشی، تصاویر مرتبط با هر درس، متون کمک آموزشی و فیلم روش تدریس برخی از دروس است. این نرم‌افزار می‌تواند در کنار کتاب راهنمای معلم، کمک شایانی به دبیران جهت آموزش این کتاب با استفاده از روش‌های نوین آموزشی بکند.

یاددہی و یادگیری
ہر درس

فصل دوم

درس اول

تورا چگونه بشناسم؟

هدف کلی

آشنایی با صفات خداوند

اهداف جزئی:

– آگاهی از راه‌های شناخت صفات الهی

– شناخت صفات ثبوتیه

– شناخت صفات سلبيه

– تبیین رابطهٔ حمد و تسبیح با صفات ثبوتیه و سلبيه

ضرورت درس

دانش‌آموزان از دوره ابتدایی تا کنون با صفات بسیاری از خداوند در کتاب‌های هدیه‌های آسمان و پیام‌های آسمان آشنا شده‌اند. با این حال هنوز صفات بسیاری از خدا هست که به دلیل محدودیت کتاب درسی برای دانش‌آموز بیان نشده و نیاز است تا دانش‌آموزان برای شناخت بهتر خداوند با این صفات آشنا شوند. برای همین لازم است تا دانش‌آموز خود راه دستیابی به این صفات را فراگیرد. این درس با هدف معرفی راه‌های شناخت صفات الهی به دانش‌آموز تألیف شده است.

محورهای اصلی درس

- ۱- دغدغه همیشه‌گی انسان برای شناخت خالق خویش و محدودیت‌های انسان در این شناخت
- ۲- قرآن کریم و جهان آفرینش؛ دو منبع برای درک صفات الهی
- ۳- آشنایی با برخی از آیات قرآن در توصیف خداوند
- ۴- زیبایی‌ها و شگفتی‌های خلقت، آیه و نشانه‌ای بر صفات حق تعالی
- ۵- جامع صفات کمالی بودن خداوند و مبرا بودن وی از هر صفت نقص و عیب (صفات ثبوتی و سلبی)
- ۶- ستایش خداوند با صفات کمالی‌اش در هنگام حمد و بری دانستن وی از هر صفت عیب و نقص در هنگام تسبیح.

این درس به این پرسش‌ها، پاسخ می‌دهد

- ۱- آیا انسان می‌تواند به شناخت کاملی از خدا برسد؟
- ۲- از چه راه‌هایی می‌توان به شناخت خدا و صفات او رسید؟
- ۳- قرآن چه توصیفی از خداوند، ارائه می‌دهد؟
- ۴- چگونه می‌توان با تأمل در جهان خلقت، بی‌به صفات خداوند برد؟
- ۵- چه صفاتی را می‌توان به خدا نسبت داد و چه صفاتی را نمی‌توان؟
- ۶- حمد و ستایش خداوند به چه معناست؟
- ۷- معنای تسبیح و تنزیه خداوند چیست؟
- ۸- رابطه حمد و تسبیح با صفات ثبوتی و سلبی چگونه است؟

روش تدریس

تذکر: روش‌های تدریسی که در این کتاب ارائه می‌شود، پیشنهادی بوده و هر یک از همکاران می‌توانند با تکیه بر توانایی‌های خود، روش‌های دیگری را جایگزین کنند.

شیوه تدریس «ورودی» : شعر سنایی بهترین ورودیه برای موضوع صفات خداست.

بهرتر است که برای تأثیرگذاری بیشتر، این شعر به یکی از شیوه‌های زیر خوانده شود:

– اجرای سرود به صورت گروهی توسط برخی از دانش‌آموزان یا همه آنها

– خواندن شعر توسط یکی از دانش‌آموزان خوش‌صدا و یا خود دبیر

– پخش شعر با صدای حسام‌الدین سراج (فایل مربوطه در نرم‌افزار بر فراز آسمان موجود است).
شیوه تدریس «تفکر در کتاب آسمانی»

از دانش‌آموزان می‌خواهیم به صورت داوطلب برخی از ویژگی‌های اخلاقی خود را بگویند. سپس به دانش‌آموزان می‌گوییم من شناخت چندانی از شما نداشتم اما اکنون با ویژگی‌هایی که از خودتان گفتید شناخت بیشتری نسبت به شما و شخصیتتان پیدا کردم. هر انسانی خودش را خیلی بهتر از دیگران می‌تواند توصیف کند. برای شناخت خدا نیز یکی از بهترین راه‌ها این است که ببینیم خداوند خودش را چگونه به ما معرفی کرده است. برای این کار به قرآن مراجعه می‌کنیم. خداوند در آیات متعددی به معرفی خود پرداخته است. برای اینکه دانش‌آموز با آیات مطرح شده ارتباط بیشتری برقرار کند، صفات خدا را بر اساس آیات قرآن که در درس آمده طبق جدول زیر روی تابلو می‌نویسیم.

سپس از دانش‌آموزان می‌خواهیم که شماره هر آیه را در مقابل صفت خدا که در جدول مقابل نوشته شده، بیان کنند و یکی از دانش‌آموزان یا معلم در جدول بنویسد. سپس از دانش‌آموزان پیرامون معنا و مفهوم هریک از آیات پرسش می‌کنیم تا از میزان و صحت درک آنان از این صفات اطلاع یابیم و اگر پرسش یا ابهامی داشتند یا تصور نادرستی از صفات مذکور داشتند توضیحات لازم را ارائه می‌دهیم.

۱- اِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَ مَا يَخْفَى	شکرگزار کارهای خوب بندگان
۲- وَ هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ	توبه پذیر
۳- وَ مَنْ يَشَاقِ اللَّهَ فَاِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ	دوستدار بندگانش
۴- اِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ التَّوَّابِينَ	مجازات کننده
۵- اِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ	عالم و آگاه
۶- وَ كَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا	ظلم نکردن

روش تدریس بخش «تفکر در کتاب خلقت» :

۱- در این بخش می‌توان از این تمثیل برای دانش‌آموز استفاده کرد :
فرض کنید که شما چندساعتی به بیرون از منزل رفته‌اید و بعد که برمی‌گردید می‌بینید که در خانه

تغییراتی رخ داده است. ظرف غذا و یک لیوان آب روی میز است. تلویزیون روشن است، کتابی روی میز است و... شما خیلی راحت تشخیص می‌دهید که در این ساعاتی که نبودید موجود متحرکی اینجا بوده است. این موجود غذا و آب می‌خورد و چون از بشقاب و لیوان استفاده کرده است، پس دارای شعور و آگاهی به آداب و عرف است. تلویزیون هم توانسته است روشن کند پس موجودی دارای هوش است، کتاب هم خوانده است پس باسواد است و... شما اگر چه هیچ وقت او را ندیدید ولی توانستید از علامت‌ها، متناسب با درک خود به برخی از صفات این موجود پی ببرید.

در مورد خدا هم می‌شود همین نکته را گفت :

اگرچه ما او را نمی‌بینیم (البته با چشم ظاهر) ولی برای ما یک سری علائم و شواهد در این جهان قرار داده است، علائمی که از طریق آن می‌توانیم به برخی از صفات خداوند همچون آگاهی، یگانگی، زیبادوستی، حکمت و... پی ببریم.

علاوه بر اینها برای ما یادداشت هم گذاشته است (قرآن) و در آن به معرفی دقیق خود پرداخته است.

پس از طریق مخلوقات می‌توان پی به صفات خدا برد چرا که همه موجودات نشانه‌های خدا هستند؛

به قول بابا طاهر :

«به صحرا بنگرم صحرا تو بینم به دریا بنگرم دریا تو بینم

به هر جا بنگرم کوه و در و دشت نشان از قامت رعنا تو بینم»

۲- برای نشان دادن بخشی از شگفتی‌های خلقت می‌توان از کتاب‌های علوم و یا جغرافیای دانش‌آموزان نیز استفاده کرد و از مطالبی که در این کتاب‌ها وجود دارد و دانش‌آموز با آن آشناست در کلاس استفاده کرد.

روش تدریس «صفات ثبوتی و سلبی»: معلم جدول زیر را تابلو می‌نویسد و از دانش‌آموزان می‌خواهد که دو ویژگی و صفت مثبتی که در خود دارند و به آن افتخار می‌کنند را در قسمت اول جدول بنویسند (تأکید می‌کنیم صفات مثبت) و دو ویژگی و صفت منفی که در خود ندارند نیز در قسمت دوم جدول بنویسند.

..... هستم نیستم
..... هستم نیستم

دانش‌آموزان، ویژگی‌های خود را از روی جدول خود می‌خوانند و معلم از این فعالیت استفاده کرده و می‌گوید آن صفات خوبی که در وجود شما هست، نامشان صفات ثبوتی است. یعنی در وجود شما قرار و ثبوت دارد و آن صفات منفی‌ای که در شما نیست، نامشان صفات سلبی است. یعنی از خودتان سلب کرده‌اید.

حال خدا نیز آن صفاتی را که داراست، صفات ثبوتی می‌نامند و آن صفاتی که ندارد، صفات سلبی گویند.

تحلیل اجزای درس

در تدریس اجزای این درس، باید به موارد زیر توجه شود:

ورودی (شعر): این درس با شعری زیبا از حکیم سنایی (۴۷۳-۵۴۵ هـ. ق) آغاز می‌شود (البته سه بیت پایانی این شعر به دلیل سخت بودن درک آن توسط دانش‌آموز، حذف شده است). در ابیات آغازین این شعر برخی از صفات خداوند به زیبایی توصیف شده و در قسمت بعد برخی صفات که نشان از نقص است از خداوند سلب شده است. این شعر به خوبی زمینه را برای ورود به بحث صفات خداوند آماده می‌کند.

فعالیت کلاسی: پس از خواندن شعر، دانش‌آموزان در گروه‌های خود روی متن آن، تأمل می‌کنند و صفاتی را که می‌توان به خدا نسبت داد، استخراج می‌کنند؛ مثلاً در بیت اول آمده که خداوند ملک، پاک و خداست و نیز آمده که او راهنما (هادی) است. با توجه به بیت دوم درمی‌یابیم که خداوند دارای فضل است و یکتاست و...

در قسمت دوم این فعالیت، این سؤال پرسیده شده که خداوند چه صفات دیگری دارد که در شعر به آنها اشاره نشده است. دانش‌آموزان در پاسخ می‌توانند به صفاتی همچون غفور، ستار، ناظم، تواب و... اشاره کنند.

راه‌های شناخت صفات خداوند: این بخش، سه هدف مهم را دنبال می‌کند.

اول آنکه، در قالب پرسش‌هایی، این سؤال را برای دانش‌آموز ایجاد کند که به راستی خالق او، چگونه خالق است؟ چه صفاتی دارد؟ و چگونه می‌توان بی به صفات او برد؟

متأسفانه نوجوان و جوان امروزی به دلیل گسترش ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی، به شدت سرگرم و مشغول مسائل کم‌اهمیت شده است و از اندیشیدن به مسائل سرنوشت‌ساز و حیاتی، بازمانده است. از این رو، در ابتدای این درس، سعی شده است تا در قالب طرح پرسش‌هایی، او را در خصوص

برخی از سؤالات مهم زندگی به فکر واداریم.

دومین هدف که در پاراگراف دوم به آن توجه شده است این است که در راه شناخت خداوند، حتماً باید به سراغ منابع معتبر رفت تا به اطلاعات دقیق و صحیحی دست یابیم. ذکر این نکته از آن جهت است که متأسفانه امروزه فرقه‌ها و گروه‌های مختلفی با ادعای حرکت در مسیر شناخت خدا، درصدد جذب جوانان هستند و با نوشته‌ها و کتاب‌ها و برگزاری جلسات و حلقه‌های گوناگون، افکار ناصواب و دور از تعالیم قرآن و اهل بیت را به مخاطبان خود ارائه می‌کنند. از این رو، در این قسمت بر این نکته تأکید شده که هر منبعی نمی‌تواند در جهت شناخت خدا، مورد استفاده قرار گیرد.

هدف سوم این بخش نیز توجه دادن به محدود بودن توانایی ما در درک و شناخت خداوند است.

در پاراگراف سوم گفته شده که انسان موجودی محدود است و خداوند نامحدود، و از این رو ممکن نیست که انسان محدود، قادر به درک کامل امری نامحدود باشد، چرا که ظرف فکر و اندیشه او گنجایش درک نامحدود را ندارد. این تذکر دانش‌آموز را به این نکته توجه می‌دهد که اگر چه ما موظف به شناخت خالق خویش هستیم اما باید ضعف‌ها و کاستی‌های خود را در این راه بشناسیم و بدانیم که هر چقدر در مسیر شناخت او پیش برویم، و هر اندازه شناخت خود را نسبت به خداوند بیشتر و بیشتر کنیم، باز هم قادر به درک کامل خداوند نخواهیم بود.

تفکر در کتاب آسمانی: این قسمت به معرفی اولین راه شناخت صفات الهی می‌پردازد تا دانش‌آموز بداند که با مراجعه به کتاب الهی می‌تواند توصیف خدا را از زبان خود خداوند بشنود. چرا که بهترین راه شناخت صفات خداوند این است که ببینیم خود او چگونه به معرفی خویش پرداخته است.

خداوند در معرفی خویش در قرآن کریم به گونه‌ای عمل می‌کند که انسان، هم نسبت به صفات خالق خویش، معرفت پیدا کند و هم قلب و جان وی متأثر از این معرفت گردد.

به طور مثال، خداوند در توصیف علم مطلق خویش، تنها به ذکر این نکته که خداوند به همه چیز علم دارد، اکتفا نمی‌کند بلکه علم بی‌حد و حصر خود را به گونه‌ای توصیف می‌کند که مخاطب با تمام وجود احساس می‌کند هیچ کجا از دید خدا پنهان نیست؛ اینکه خدا حتی از صدای پیچ ما نیز باخبر است و از فرو افتادن برگ درختی در دورافتاده‌ترین نقاط جهان، آگاه است، این احساس را در دل انسان تقویت می‌کند که هیچ چیز پنهانی برای خدا وجود ندارد. با این گونه توصیفات، انسان، هم پی به علم مطلق خدا می‌برد و هم، به مراقبت بر اعمال و رفتارش می‌افزاید، چرا که خدا را ناظر بر پنهانی‌ترین

اعمال خویش می‌بیند.

در ادامه معرفی صفات خداوند به صفاتی پرداخته شده که هر یک به دنبال پاسخ به برخی از سؤالات و شبهات دانش‌آموزان است.

برخی دانش‌آموزان به دلیل برخی آموزش‌ها و القائات غلط، تصویر تیره و تاری از خدا دارند و او را خالقی نامهربان می‌دانند. آنان گمان می‌کنند خداوند هر گناه‌کاری را به شدیدترین عذاب‌ها دچار می‌کند و از این‌رو، با خدای غضبناک و انتقام‌گیرنده‌ای مواجه‌اند. برخی نوجوانان نیز از خدا، ناامیدند و گمان می‌کنند به دلیل مرتکب شدن برخی گناهان، دیگر راهی به سوی خدا ندارند. گروه دیگری، خداوند را خالقی سخت‌گیر می‌دانند که نمی‌خواهد بندگان در خوشی و آسایش باشند و از این‌رو، با وضع قوانین سخت‌گیرانه، آنها را از لذت‌های دنیا، باز می‌دارد. نویسنده با توجه به شبهاتی این چنین که در ذهن برخی نوجوانان است، سعی کرده تا با کلام خداوند، به این باورهای نادرست، پاسخ گوید.

در ابتدا پس از بیان علم بی‌پایان خداوند به صفت مهربانی خدا اشاره شده است و گفته شده که مهربانی خداوند حد و مرزی ندارد و دامنه این مهربانی، آن قدر وسیع است که همه چیز و همه کس را دربر گرفته است :

و رحمتی وسعت کل شیء (اعراف: ۱۵۶)

خداوند آن قدر به مهربانی در حق بندگان توجه داشته که حتی آن را بر خود لازم و ضروری کرده است.

کتب علی نفسه الرحمة (انعام: ۱۲)

در ادامه به صفت «ودود» اشاره شده است. ودود از ریشه «ود» و به معنای دوست داشتن کسی یا چیزی است، و در این آیه به معنای این است که خداوند بندگان را دوست دارد.

متأسفانه برخی با اتکا به مهربانی خدا که به راحتی دست به گناه می‌زنند، از همین جهت لازم است تا در کنار امیدواری به رحمت خداوند از عذاب و خشم خداوند نیز بیمناک شوند؛ از همین رو در ادامه بحث عقوبت خداوند مورد توجه قرار گرفته است.

سپس این نکته بیان شده که برخلاف تصور برخی که خدا را خالقی ظالم می‌دانند خداوند به هیچ‌کس کوچک‌ترین ظمی نمی‌کند و اگر مردم ظلمی در جهان می‌بینند، ناشی از اعمال خود آنهاست. آیات بعدی نیز یک به یک علاوه بر بیان یکی از صفات الهی به دنبال اصلاح برخی از ذهنیت‌های غلطی است که در بین برخی از دانش‌آموزان رواج دارد. بنابراین، این آیات فرصت خوبی است تا به اصلاح باورهای غلط برخی مخاطبان، بپردازیم.

فعالیت کلاسی : در این فعالیت، دانش‌آموزان با صفات دیگری از خداوند که در این دو سوره

آمده است، آشنا می‌شوند، صفاتی همچون رحمان، رحیم، رب العالمین، مالک یوم‌الدین و... بیشتر بدانیم: قرآن کریم به‌عنوان یکی از راه‌های شناخت صفات الهی، به دانش‌آموزان معرفی شد. به یقین اهل بیت پیامبر، مفسران قرآن‌اند و کلام و سخن آنان نیز در راستای کلام وحی است. از این رو، مراجعه به تعالیم آنان نیز ما را در شناخت هرچه بیشتر خداوند، یاری می‌کند. در این قسمت، بخشی از خطبه ۹۱ نهج‌البلاغه در توصیف خداوند آمده است. توصیفی که همچون تعالیم قرآن، هم بر معرفت ما بر خدا می‌افزاید و هم، دل و جان ما را متأثر از این معرفت می‌کند.

هر انسانی با شنیدن توصیف امام علی (ع) با خود این‌گونه خواهد گفت که خدایی که از درون لانه‌های مورچگان و خانه‌های حشرات، باخبر است، خدایی که از مخفی‌گاه ریزترین حشرات در بین ساقه‌ها و پوست درختان آگاه است، خدایی که صدای آهسته قدم‌ها را می‌شنود، به یقین از من نیز غافل نیست و مرا به حال خود، رها نکرده است. او از حال و روزم خبر دارد و تک‌تک اعمالم در برابر او، حاضر است.

این تلنگر، باعث می‌شود تا ما همیشه خود را حاضر در برابر او بدانیم و اعمال و کردار خود را اصلاح کنیم.

تفکر در کتاب خلقت : دومین راهی که در این کتاب برای شناخت صفات بیشتری از خالق هستی معرفی شده است، راه تفکر در جهان آفرینش است. نویسنده در این بخش، جهان آفرینش را به زیبایی، تشبیه به کتاب خلقت نموده است. یعنی همچون کتاب آسمانی، جهان آفرینش نیز به مانند کتابی است که محتوای آن ما را به سوی خالق هستی راهنمایی می‌کند. آیه‌های کتاب خلقت، همان مخلوقاتی‌اند که هر یک همچون نشانه‌ای، هدایتگر ما به سوی خداوندند.

در ادامه نیز سخنی از فیزیکدان بزرگ معاصر یعنی اینشتین آمده است تا تأییدی بر این مدعا باشد که به هر میزان علم و دانش ما نسبت به جهان اطراف افزایش یابد، بیشتر می‌توانیم پی به علم و قدرت خداوند ببریم (در بخش دانستنی‌های معلم، جملات دیگری از برخی دانشمندان در خصوص شگفتی‌های خلقت بیان شده است).

صفات نبوتی و سلبی : دانش‌آموزان پس از مطالعه در کتاب الهی مشاهده می‌کنند که در آیات قرآن در عین اینکه برخی صفات به خدا نسبت داده شده است، برخی صفات مانند فرزند داشتن، شریک داشتن و... از خدا سلب شده است. همچنین با مطالعه در کتاب آفرینش به این نکته پی می‌برند که اگرچه مخلوقات همه صفات کمالی خود را از خالق هستی گرفته‌اند اما برخی از ویژگی‌های

مخلوقات که ریشه در محدودیت و نقص دارد را نمی‌توان به خدا نسبت داد، مثل جسمانی بودن. موجود جسمانی به مکان معین و زمان معین، محدود است و این یک نقص است. موجود جسمانی نمی‌تواند در همهٔ زمان‌ها و همهٔ مکان‌ها باشد درحالی که خداوند در همهٔ زمان‌ها هست و همه‌جا حضور دارد.

توجه به این نکته یعنی اثبات برخی صفات برای خدا و سلب برخی صفات از وی، ورود به بحث جدیدی را با عنوان صفات ثبوتی و سلبی می‌طلبد. از این رو پس از معرفی دو منبع برای شناخت خداوند وارد بحث صفات ثبوتی و سلبی می‌شویم.

در این قسمت دو نکته مهم وجود دارد که بایستی به آن توجه داشته باشیم؛ اول اینکه مراقب باشیم با بیان صفات ثبوتی و سلبی، دانش‌آموز دچار یک اشتباه رایج نشود؛ و آن اینکه گمان کند خداوند دو دسته صفات دارد: صفات ثبوتی و صفات سلبی. باید به دانش‌آموز توضیح داد که خدا فقط یک دسته صفات دارد و آن صفات ثبوتی است. صفات سلبی همان صفات نقص هستند که اصلاً در خدا، راه ندارند و آنها را از خدا سلب می‌کنیم و می‌گوییم خداوند منزّه از این صفات است. دوم آنکه هدف این بخش صرف آشنا شدن با مفهوم صفات ثبوتی و سلبی است و نباید با طرح سؤالات معماگونه، دانش‌آموزان را وارد بحث‌های حاشیه‌ای درخصوص این بحث کنیم.

فعالیت کلاسی: با توجه به شعر ابتدای درس، دانش‌آموزان صفات ثبوتی و سلبی را در شعر جدا کرده و می‌نویسند:

صفات ثبوتی: ملک، پاک، راهنما، دارای فضل، یکتایی، حکیم و...

صفات سلبی: رنج و گداز، درد، نیاز، بیم و امید داشتن، عیب و خطا و...

حمد و تسبیح: این قسمت به تبیین رابطهٔ حمد و تسبیح با صفات ثبوتی و سلبی، می‌پردازد. هر انسانی به طور طبیعی، زیبایی و کمال را دوست دارد و از زشتی و نقص، دوری می‌جوید. هر جا که زیبایی را ببیند، می‌ستاید و هر جا که زشتی را ببیند، بیزاری می‌جوید. وقتی ما گل زیبایی را به دست می‌گیریم و می‌بویم و لذت می‌بریم و «به‌به» می‌گوییم، همین ابراز احساس، حمد و ثنای این گل است. حال اگر کسی با تأمل و تفکر دریابد که همهٔ این زیبایی‌هایی که در مخلوقات است از جانب خداست و او زیباترین است و هیچ نقصی از نقص‌های مخلوقات در او راه ندارد، خودبه‌خود زبان به ستایش او می‌گشاید (حمد) و هر بدی را از او دور می‌کند (تسبیح).

به همین جهت است که انسان‌های مؤمن و کسانی که در حد خویش خدا را شناخته باشند، با دیدن هر خوبی و زیبایی در جهان، به تعریف و تمجید (حمد) خالق اصلی آن زیبایی می‌پردازند.

وقتی هم که در نماز می‌گوییم: الحمدلله یعنی تمام تعریف‌ها و ستایش‌های جهان از آن خداست چرا که هر کسی که زبان به ستایش یک خوبی می‌گشاید، دانسته یا ندانسته از خالق آن زیبایی، تمجید می‌کند.

برای درک بهتر این مطلب می‌توان مثال نی را زد. ممکن است کسی وقتی صدای زیبای نی را می‌شنود به تحسین و تمجید از نی پردازد در حالی که نی وقتی از لب‌های نوازنده دور می‌افتد بی‌نغمه خواهد شد و دیگر هیچ نوای خوشی ندارد. پس باید به تحسین خالق اصلی این نوای زیبا پرداخت که همان نوازنده نی است.

نی ز نغمه واماند چون ز لب جدا ماند

این نکته را نیز در تبیین رابطه حمد و تسبیح با صفات ثبوتی و سلبی بایستی به دانش‌آموز بیان کنیم که در حمد و ستایش همواره صفات ثبوتی خدا بیان می‌شود و در تسبیح، خداوند را از صفات سلبی پاک و منزّه می‌داریم.

دانستنی‌های معلم

۱- در قرآن کریم ۱۲۷ مورد از صفات خداوند بیان شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

خدا	اله : خدا
اعلی : بالاتر	اکرم : گرامی‌تر
اعلم : داناتر	ارحم الراحمین : مهربان‌ترین مهربانان
احکم الحاکمین : استوارترین فرمانروایان	احسن الخالقین : بهترین آفرینندگان
اهل المغفرة : بخشایشگر	اقرب : نزدیک‌تر
ابقی : ماندگارتر	باری : هست‌کننده
باطن : حس‌نشدنی	بدیع : نوآور
بِرّ : نیک	بصیر : بینا
توّاب : بسیار توبه‌پذیر	جبار : بسیار جبران‌کننده
حکیم : سنجیده‌کردار	حلیم : بردبار
حیّ : زنده	حق : حق
حمید : ستوده	حسیب : حساب‌کننده
حفیظ : نگه‌دارنده	حقّی : مهربان

خالق: آفریدگار	خبیر: آگاه
خبیر: خوبترین	خلاق: بسیار آفریننده
خیر الحاکمین: بهترین داوران	خیر الزاقین: بهترین روزی دهندگان
خیر الغافرین: بهترین آمرزندگان	خیر الفاتحین: بهترین پیروزمندان
خیر الزاحمین: بهترین رحم کنندگان	خیر الوارثین: بهترین وارثان
ذو الطول: ولی نعمت	خیر المنزلین: بهترین نازل کنندگان
ذو الفضل العظیم: بخشایشگر بزرگ	ذو انتقام: انتقام گیرنده
ذو القوة: نیرومند	ذو الرحمة: دارای رحمت
ذو المعارج: صاحب مراتب	ذو الجلال و الاکرام: باشکوه و بزرگواری
رحیم: مهربان	رحمان: بخشاینده
رب: پروردگار	رثوف: مهربان
رزاق: بسیار روزی دهنده	رفیع الدرجات: بلندمرتبه
سمیع: شنوا	رقیب: نگهبان
شهید: گواه	سریع الحساب: زودحسابگر
شکور: بسیار سپاس دارنده	شاکر: سپاس دارنده
شدید المحال: سخت کیفر	شدید العقاب: سخت کیفر دهنده
ظاهر: آشکار	صمد: بی نیاز
عزیز: ارجمند	علیم: بسیار دانا
علی: بلندمرتبه	عفو: بخشایشگر
علام الغیوب: دانای نهانها	عظیم: بزرگ
غنی: ثروتمند	عالم الغیب و الشهادة: دانای نهان و آشکار
غالب: چیره	غفور: بسیار آمرزنده
غفار: بسیار آمرزنده	غافر الذنب: آمرزنده گناه
فاطر: آفریننده	فالق الإصباح: روشن کننده صبح
قوی: نیرومند	فتاح: بسیار گشاینده
قیوم: پاینده	قدوس: دور از هر عیب و نقص
قهار: بسیار چیره	قاهر: چیره

قادر: توانا	قریب: نزدیک
قابل التوب: توبه پذیر	قدیر: توانا
کریم: بخشنده	کبیر: بزرگ
لطیف: مهربان	کافی: کافی
مهیم: نگاهبان	مؤمن: ایمنی دهنده
مصور: صورت ساز	متکبر: بزرگ تر از دیگران
مجیب: برآورنده دعا	مجید: با عظمت
مولی: سرپرست	مبین: آشکار کننده
مقیم: توانا	محیط: دربرگیرنده
محیی: جان بخش	متعال: بلند مرتبه
مقتدر: قدرتمند	متین: استوار
مبدئ: آفریننده	مستعان: یاری خواسته شده
نور: روشنائی	نصیر: یاور
واحد: یگانه	وهاب: بسیار بخشنده
والی: صاحب اختیار	ولی: دوست
وکیل: کارگزار	واسع: گشایش دهنده
هادی: راهنما	ودود: بسیار مهربان

۲- تفکر در کتاب خلقت و مطالعه در شگفتی های آن اعجاب بسیاری از دانشمندان را در خصوص عظمت هستی برانگیخته است. در ادامه نمونه هایی از سخنان برخی از این اندیشمندان در خصوص جهان خلقت بیان می شود:

ماکس پلانک، یکی از بزرگترین فیزیک دانان نامی معاصر می گوید: «در برابر طبیعت کاوش ناپذیر که مدام نوبه نو می شود، آدمی هر اندازه از نظر علمی پیشرفته تر باشد، همچنان به کودکی می ماند که بیوسسته باید آماده شگفتی های حیرت زای تازه ای باشد»^۱.

اینستاین در خصوص کشف شگفتی های خلقت می گوید: زیباترین و عمیق ترین احساسی که ما می توانیم (به هنگام دیدن این زیبایی ها) تجربه کنیم احساسی عرفانی است... کسی که با این احساس بیگانه است و هنوز مجذوب و شگفت زده نشده است مثل مرده می ماند. (فیزیک دانان غربی و مسئله خدا باوری، ص ۳۴)

۱- تصویر جهان در فیزیک جدید، ماکس پلانک، ص ۱۰۵.

خانه‌اش در آسمان، دور از زمین
بود، اما در میان ما نبود
مهربان و ساده و زیبا نبود
در دل او دوستی جایی نداشت
مهربانی هیچ معنایی نداشت
هر چه می‌پرسیدم، از خود، از خدا
از زمین، از آسمان، از ابرها
زود می‌گفتند: این کار خداست
پرس و بجز از کار او کاری خطاست
هر چه می‌پرسی، جوابش آتش است
آب اگر خوردی، عذابش آتش است
تا بیندی چشم، کورت می‌کند
تا شدی نزدیک، دورت می‌کند
کج گشودی دست، سنگت می‌کند
کج نهادی پای، لنگت می‌کند
با همین قصه، دلم مشغول بود
خواب می‌م، خواب دیو و غول بود
خواب می‌دیدم که غرق آتشم
در دهان اژدهای سرلشتم

پیش از اینها فکرمی‌کردم خدا
خانه‌ای دارد کنار ابرها
مثل قصر پادشاه قصه‌ها
تختی از الماس تختی از طلا
پایه‌های برنش از عاج و بلور
بر سر تختی نشسته با غرور
ماه برق کوچکی از تاج او
هر ستاره، پولکی از تاج او
اطلس پیراهن او، آسمان
نقش روی دامن او، لگنشان
رعد و برق شب، طنین خنده‌اش
سیل و طوفان، نغره توفنده‌اش
دکه پیراهن او، آفتاب
برق تیغ خنجر او ماهتاب
هیچ کس از جای او آگاه نیست
هیچ کس را در حضورش راه نیست
پیش از اینها خاطر م‌دلگیر بود
از خدا در ذهنم این تصویر بود
آن خدا بی‌رحم بود و حاکمین

در دهان اژدهای حکمکین
 بر سرم باران گرز آتشین
 محو می شد نغره هایم، بی صدا
 در طنین خنده خشم خدا...
 نیت من، در غاز و در دعا
 ترس بود و وحشت از خشم خدا
 هر چه می کردم، همه از ترس بود
 مثل از بر کردن یک درس بود
 مثل تمرین حساب و هندسه
 مثل تئیه مدیر مدرسه
 تلخ، مثل خنده ای بی حوصله
 سخت، مثل حل صدها مسئله
 مثل تکلیف ریاضی سخت بود
 مثل صرف فعل ماضی سخت بود
 ...
 تا که یک شب دست در دست پدر
 راه افتادم به قصد یک سفر
 در میان راه، در یک روستا
 خانهای دیدم، خوب و آشنا
 زود پرسیدم: پدر، اینجا کجاست؟

گفت، اینجا خانه خوب خداست!
 گفت: اینجا می شود یک لحظه ماند
 گوشه ای خلوت، نازی ساده خواند
 با وضویی، دست و روئی تازه کرد
 با دل خود، گفتگوی تازه کرد
 گفتش، پس آن خدای حکمکین
 خانه اش اینجا است؟ اینجا، در زمین؟
 گفت: آری، خانه او بی ریاست
 فرش هایش از گلیم و بوریاست
 مهربان و ساده و بی کینه است
 مثل نوری در دل آینه است
 عادت او نیست خشم و دشمنی
 نام او نور و نشانش روشنی
 خشم، نامی از نشانی های اوست
 حالتی از مهربانی های اوست
 قمر او از آشتی، شیرین تر است
 مثل قمر مهربان مادر است
 دوستی را دوست، معنی می دهد
 قهر هم با دوست معنی می دهد
 هیچ کس با دشمن خود، قهر نیست

قمری او هم نشان دوستی است

...

تازه فهمیدم خدایم، این خداست

این خدای مهربان و آشاست

دوستی، از من بر من نزدیک تر

از رگ گردن بر من نزدیک تر

آن خدای پیش از این را باد برد

نام او را هم دلم از یاد برد

آن خدا مثل خیال و خواب بود

چون جبابی، نقش روی آب بود

می توانم بعد از این، با این خدا

دوست باشم، دوست، پاک و بی ریا

می توانم با این خدا پرواز کرد

سفره دل را برایش باز کرد

می توان درباره کل حرف زد

صاف و ساده، مثل بلبل حرف زد

چکد چکد مثل باران راز گفت

با دو قطره، صد هزاران راز گفت

می توان با او صمیمی حرف زد

مثل یاران قدیمی حرف زد

می توان تصنیفی از پرواز خواند

با الفبای سکوت آواز خواند

می توان مثل علف ها حرف زد

با زبانی بی الفبا حرف زد

می توان درباره هر چیز گفت

می توان شعری خیال انگیز گفت

مثل این شعر روان و آشا

« پیش از اینها فکر می کردم خدا »

منابع برای مطالعه بیشتر

- ۱- پرسش ها و پاسخ ها (خدا)، حسین سوزنجی، انتشارات مدرسه.
- ۲- رسائل توحیدی، علامه طباطبایی.
- ۳- راه های خداشناسی در طبیعت، ابوطالب تجلیل، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۴- توحید، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا.